



پیامبر اسلام
محمد صلی الله علیه و آله

المعتمد من السيرة

(فارسی)

پاره مختصری از پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم که شامل نام، نسب، سرزمین، ازدواج، پیامبری، و آنچه که بسوی آن دعوت نمود، و نشانهای پیامبری، و شریعت، و موقف مخالفین او میباشد بیان میکنم.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

MKTsoft
٢٠١٦

شركاء التنفيذ:



المحتوى الإسلامي



رواد الترجمة



جمعية الربوة



دار الإسلام

يتاح طباعة هذا الإصدار ونشره بأي وسيلة مع
الالتزام بالإشارة إلى المصدر وعدم التغيير في النص.



Telephone: +966114454900



ceo@rabwah.sa



P.O.BOX: 29465



RIYADH: 11557



www.islamhouse.com

بنام الله بخشنده و مهربان

پیامبر اسلام محمد (ﷺ)

پاره مختصری از پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم که شامل نام، نسب، سرزمین، ازدواج، پیامبری، و آنچه که بسوی آن دعوت نمود، و نشانهای پیامبری، و شریعت، و موقف مخالفین او میباشد بیان میکنم.



1- نام و نسب و سرزمینی که وی در آن تولد و پرورش یافته است:

پیامبر اسلام، او محمد فرزند عبدالله فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم از اولاد اسماعیل فرزند ابراهیم علیهم السلام میباشد. وقتیکه پیامبر الله ابراهیم علیه السلام از شام به مکه آمد، وبا او همسرش هاجر وپسرش اسماعیل در حالیکه او در گهواره بود، آن دو را به امر الله در مکه مسکن گزین نمود، وقتیکه این پسر جوان شد ابراهیم علیه السلام به مکه آمد، وی وپسرش اسماعیل علیهما السلام کعبه را بنا نمودند، ومردم در اطراف کعبه جانشین شدند، مکه مقصد الله پرستان که پروردگار جهانیان است، و ادا کنندگان مناسک حج است قرار گرفت، ومردم قرن‌ها به پرستش الله متعال ویکتاپرستی در ملت ابراهیم علیه السلام پرداختند. سپس انحراف رخ داد،

جزیره عرب همانند دیگر سرزمین های جهان دگرگون گردید، پدیدهء بت پرستی سر بلند کرد: مانند پرستش بت ها، زنده به گور کردن دختران، ستم بالای زنان ، تهمت بستن، شراب نوشی، ارتکاب فحاشی ، خوردن مال یتیم و گرفتن سود مروج گردید. در این سر زمین و در این محیط در سال 571م پیامبر اسلام محمد فرزند عبدالله از اولاد اسماعیل فرزند ابراهیم چشم بدنیا گشود، پدرش قبل از ولادت او وفات نمود، وقتی شش ساله شد مادرش وفات نمود، او را کاکایش ابو طالب در کفالت خویش در آورد، یتیم و فقیر پرورش یافت، کار می نمود، و از مزد دستش امرار معیشت می نمود.



2- ازدواج مبارک با خانم مبارک:

زمانی که بیست پنج ساله بود با بهترین بانوان و باشندگان مکه ازدواج کرد، که وی خدیجه بنت خویلد رضی الله عنها بود، و از وی چهار دختر و دو پسر نصیب شد. پسرانش در خوردسالی وفات نمودند.

روش وی با همسر و خانواده اش پر از محبت و مهربانی بود، لذا همسرش خدیجه (رضی الله عنها) وی را نهایت دوست داشت. همچنان او هم وی را نهایت دوست داشت، حتی بعد از وفاتش بعد از سالیانی که گذشت فراموشش نکرد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه گوسفند ذبح می کرد، گوشت آن را به دوستان خدیجه (رضی الله عنها) می فرستاد تا بدینوسیله از آنان اکرام نموده و با خدیجه

(رضی اللہ عنہا) نیکویی نموده و محبت اورا حفظ کرده
باشد.



3- آغاز وحی:

محمد صلی الله علیه وسلم از روز آفرینش خود دارای اخلاق بزرگ بود، و قومش وی را بنام راستگو و امین یاد می کردند، و با آنها در کارهای بزرگ سهم می گرفت، و آنچه از بت پرستی را می دید در آن سهم نمی گرفت بلکه از آن اظهارنفرت می نمود.

وقتی به چهل سالگی رسید، وی در مکه بود که الله متعال وی را به پیامبری مبعوث نمود، جبریل علیه السلام نزد وی آمد، و آیات آغاز نخستین سوره قرآن کریم را بالایش نازل نمود: (بخوان به نام پرورگارت که هستی را آفرید).

(همان ذاتی که (انسان) را از خون بسته آفرید). (بخوان،
و پروردگارت بزرگواریترین (بزرگواری بی همتا) است).
(ذاتی که بوسیلهء قلم آموخت).

آنچه را که انسان نمی دانست [بتدریج به او] آموخت.
[سورة العلق: 1-5].

وی نزد همسرش خدیجه (رضی الله عنها) آمد در حالی
که قلبش می تپید، و جریان را برایش حکایت نمود. وی
برایش دل داری داد، و وی را نزد پسر کاکایش ورقه بن
نوفل برد- او نصرانی شده بود تورات و انجیل را می
خواند- خدیجه (رضی الله عنها) برایش گفت: ای پسر
کاکایم! از برادرزاده ات بشنو، ورقه برایش گفت، ای
برادر زاده ام چه دیدید؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم تمام
جریان که دیده بود برایش حکایت نمود، ورقه برایش
گفت: (این همان فرشته (جبریل) است که الله متعال آنرا

بالای موسی علیه السلام فرود آورده بود، ای کاش جوان
 و توانمند می بودم، ای کاش زنده باشم زمانیکه قومت ترا
 از سر زمینت بیرون می کنند. پیامبر صلی الله علیه وسلم
 فرمود: (آیا آنها من را بیرون می کنند؟)، گفت : بلی، هیچ
 کسی چیزی را که تو آوردی نیاورده است مگر اینکه با
 او دشمنی شده است، اگر در آن روز من زنده باشم حتما
 تو را یاری خواهم کرد)..

در مرحله مکی بالای پیامبر صلی الله علیه وسلم قرآن
 کریم مرتبا نازل می گردید، جبریل علیه السلام آنرا از
 جانب پروردگار جهانیان نازل می نمود، قسمیکه تفصیل
 این رسالت بیان خواهد شد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم قومش را بسوی اسلام دعوت
 می نمود، ولی آنها وی را می راندند، و با او دشمنی می
 نمودند، آنها در مقابل ترك رسالتش به او مال و پادشاهی

را پیشنهاد نمودند، ولی وی همه را رد نمود، وبرایش آنچه گفتند که گذشتگان به پیامبران ایشان می گفتند: جادوگر، دروغگو، افترا کننده.

زمین را بالایش تنگ ساختند، حتی او را اذیت جسدی نمودند، وپیروانش را هم شکنجه نمودند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در مکه مردم را بسوی الله متعال دعوت می کرد، و منتظر موسم حج، وبازارهای موسمی عرب می بود. با مردم ملاقات و دیدار می نمود، و آنها را بسوی اسلام دعوت می نمود.

نه به دنیا و نه به ریاست علاقه داشت، و نه به شمشیر مردم را می هراساند. دارای هیچ سلطه و قوتی نبود، و نه فرشتهء بود.

در آغاز دعوتش مخالفینش را چالش داد تا همانند قرآن کتاب بیاورند، و همیشه مخالفینش را به این چالش روبرو می ساخت، که گروه از مردم به او ایمان آوردند، که آنها صحابه کرام بودند (رضی الله عنهم أجمعین).

در مرحلهء مکی الله متعال به وی معجزه بزرگ اسراء (سفر شب) به بیت المقدس را داد، سپس عروج (بالا رفتن) بسوی آسمان ها را نصیب نمود، قسمیکه الله متعال پیامبران هر یک از پیامبران؛ الیاس و عیسی علیهما السلام را بسوی آسمان فراخواند و بالا برد، و این اعتقاد از باورهای مسلمانان و نصاری هم می باشد. و پیامبر صلی الله علیه وسلم در آسمان امر به ادای نماز را از الله متعال بدست آورد. این همان نمازی است که مسلمانان آنرا روزانه پنج بار ادا می کنند.

و در مکه مکرمه معجزهء بزرگ دیگری هم رخ داد، که بنام شق القمر (شکافتن مهتاب) یاد شده است، که مشرکین هم آنرا مشاهده نمودند.

کفار قریش تمام ابزار را بخاطر ممانعت وی بکار بردند، بخاطر دسیسه سازی و نفرت مردم از وی، و عنادا از وی مطالبه معجزه ها را می کردند، در این راستا از یهود هم استعانت خواستند، تا در مبارزه علیه پیامبر صلی الله علیه وسلم و باز داشتن مردم از وی، دلایل برایشان ارایه کنند.

زمانیکه شکنجه کفار بالای مسلمانان به اوج خود رسید، پیامبر صلی الله علیه وسلم برای شان اجازه هجرت بسوی حبشه را داد، و برای شان فرمود: در حبشه پادشاه عادل است، در آنجا بالای هیچ کس ستم نمی شود. او پادشاه نصرانی بود، دو گروه از مسلمانان به حبشه هجرت

نمودند، وقتی که مسلمانان به حبشه رسیدند، و با نجاشی ملاقات کردند، او را به دین اسلام دعوت نمودند، و او فوراً اسلام را پذیرفت، و گفت: سوگند به الله که این دین و دین موسی علیه السلام از يك طاق بیرون شده اند، این در حالی بود که در مکه بالای پیامبر صلی الله علیه وسلم و یارانش شکنجه روز به روز افزون تر می شد.

از جمله کسانی که در موسم حج به وی ایمان آورده بودند گروهی بودند که از مدینه آمده بودند، و با پیامبر صلی الله علیه وسلم بر اسلام و نصرت وی هنگامی که به شهر آنان که آن زمان یثرب نامیده می شد برود بیعت نمودند.

صحابه که در مکه باقی مانده بودند برایشان اجازه هجرت به مدینه را داد، آنجا هجرت کردند، و نور اسلام در مدینه بخش گردید، هیچ خانه نبود مگر اینکه به اسلام مشرف شدند.

بعد از سیزده سال که پیامبر صلی الله علیه وسلم در مکه سپری کرد و مردم را بسوی الله دعوت می نمود، الله متعال برایش اجازه نمود تا به مدینه منوره هجرت نماید. پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه هجرت نمود، و بسوی الله متعال مردم را دعوت می نمود، و احکام تشریحی بالایش نازل می گردید، در این مرحله سفرها و فرستاده های خویش را با نامه ها به بزرگان قبائل و پادشاهان می فرستاد، و آنها را بسوی اسلام دعوت می نمود، و از جمله کسان که برایشان نامه فرستاد: پادشاه روم، پادشاه فارس، و پادشاه مصر بودند.

در مدینه حادثه کسوف (آفتاب گرفتگی) رخ داد، مردم هراسیدند، و این مصادف با وفات ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، مردم فکر کردند، آفتاب گرفتگی بخاطر وفات ابراهیم است، پیامبر صلی الله علیه وسلم

فرمودند: (آفتاب و مهتاب بخاطر مرگ و زندگی کسی گرفته نمی شود؛ بلکه آن هر دو از نشانه های الله اند، که توسط آن بندهایش را متوجه می سازد). اگر پیامبر صلی الله علیه وسلم دروغگو و خودخواه می بود، بخاطر تکذیب قومش آنها را هوشدار می داد، و می گفت که آفتاب گرفتگی بخاطر مرگ فرزندم بود، پس چگونه خواهد بود فرجام مکذبان.

پیامبر صلی الله علیه وسلم را پروردگارش به اخلاق نیکو زینده ساخته بود، و وی را به این وصف توصیف نمود:

(هر آئینه تو دارای اخلاق بزرگ استی). [سورة القلم:4].

وی به تمام اخلاق نیکو متصف بود، مانند راستگویی، اخلاص، شجاعت، عدل، وفاداری حتی با مخالفین، سخاوتمندی، ودوست داشت تا به فقرا، مساکین، بیوه زنان، و مستمندان صدقه و خیرات بدهد. و به هدایت

شان حریص بود، دارای مهربانی و فروتنی بود، حتی این که مرد نا آشنا می آمد از یارانش در مورد وی می پرسید، کدام یکی از شما محمد هستید؟ در حال که وی در بین ایشان نشسته می بود.

سیرت مطهر وی بهترین نمونه تکاملی و هوشیاری در تعامل با دیگران بود: با دوست و دشمن ، دور و نزدیک، خورد و بزرگ، مرد و زن، چهار پایان و پرنده گان تعامل نیک داشتند.

وقت که الله متعال دینش را تکمیل نمود، و پیامبر صلی الله علیه وسلم او را به بهترین شیوه تبلیغ نمود، در شصت سه سالگی، چهل سال قبل از نبوت و بیست سه سال بعد از نبوت و رسالت از دنیا چشم پوشید. و سپس در مدینه منوره بخاک سپرده شد، و هیچ مال و میراث از

خود بجا نگذاشت، جز قاطر سفید که بالایش سوار می شد، و زمین که او را به مستمندان صدقه نمود.

شمار زیادی به وی ایمان آوردند، و وی را تصدیق نمودند، و کسانی که با وی در حجة الوداع حج نمودند، بیشتر از صد هزار شخص بودند، و این سه ماه قبل از وفات ایشان صورت گرفت، شاید این پدیده نگهبانی و انتشار دین اسلام بوده، یاران که به اساسات دین آموزش دیده بودند؛ بهترین انسانها در عدل، زهد، تقوی، وفاداری، و فداکاری در دین بشمار می رفتند، آنها مؤمنان واقعی بودند.

بزرگترین یارانش (رضی الله عنهم) که دارای ایمان، علم، عمل، اخلاص، تصدیق، شجاعت، و سخاوت‌مندی بود: ابوبکر الصدیق، عمر بن الخطاب، عثمان بن عفان، و علی بن ابی طالب (رضی الله عنهم) بودند. آنها از نخستین مؤمنان بشمار می روند و خلفاء بعد از وی بودند، آنانکه پرچم اسلام را بر افراشتند، و

هیچ ویژگی پیامبری را نداشتند، و آنها را نسبت به دیگر یارانش
تخصیص نداده بودند (رضی الله عنهم).

الله متعال کتاب خویش و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و
سیرتی که شامل گفتار و کردار وی بود و آن را تبلیغ نمودند
حفظ و نگهداری نمود. در طول تاریخ سیرت هیچ شخص
مانند سیرت او نگهداری نشده است، حتی چگونگی خواب
کردن، خوردن، نوشیدن، و خنده هایش حفظ گردیده است.
در خانه با خانواده اش چگونه روش داشت؟ تمام روش هایش
در سیرتش نگاشته و نگهداری شده است، وی بشر و پیامبر
بود، و هیچ ویژگی خدایی را نداشت، حتی تصرف سود و زیان
خودش نیز در دستش نبود.



4- رسالت وی:

الله متعال، محمد صلی الله علیه وسلم را وقتی فرستاد که شرك، کفر، و نادانی همه جا را فرا گرفته بود، و در روی زمین کسی جز تعداد محدودی از اهل کتاب نبود که پرستش الله را نماید، و به وی چیزی را شریک نسازد، الله متعال محمد صلی الله علیه وسلم را آخرین پیامبران و رسولان به هدایت و دین حق به تمام جهانیان فرستاد، تا دینش را بالای تمام ادیان پیروز نماید، و تا مردم را از تاریکی های بت پرستی، کفر، و نادانی بسوی نور یکتا پرستی و ایمان بکشاند، و رسالتش متمم رسالت های پیامبران گذشته بود علیهم الصلاة والسلام.

و بسوی آنچه فرا خواند که پیامبران و رسولان گذشته علیهم السلام بسوی آن دعوت داده بودند مانند: نوح، ابراهیم، موسی، سلیمان، داود، و عیسی - علیهم السلام، و

ایمان داشتن بر این که پروردگار ما الله است، که خالق، رازق، زنده کننده است او می میرانند و مالك الملك می باشد. و او تدبیر کننده جهان است، و وی بخشنده و مهربان است، الله متعال آفریدگار تمام آنچه در جهان است می باشد اگر آن را ما می بینیم و یا نمی بینیم، و هر آنچه غیر او است مخلوق می باشند.

همچنان بسوی پرستش یگانه الله، و ترك پرستش غیر او خواند، و این را روشن ساخت که الله ذات یکتا است، که هیچ شريك در عبادت، پادشاهی، آفرینش، و تدبیر ندارد، و روشن نمود که الله متعال از کسی زاده شده نیست و نه از وی کسی زاده شده است، و هیچ همتا و مانند ندارد، و در هیچ مخلوقش مدغم و مجسم نگردیده است.

و ایمان داشتن به کتابهای الهی و صحیفه های ابراهیم و موسی علیهم السلام و تورات و زبور و انجیل فرا خواند، همچنان به ایمان داشتن به همه پیامبران علیهم السلام فرا خواند، و اگر کسی به يك پیامبر کفر ورزد در حقیقت او به تمام پیامبران علیهم السلام کفر ورزیده است.

و همه مردم را به رحمت الهی مژده داده است، و الله متعال در دنیا احتیاجات آنها را فراهم می کند، و الله متعال پروردگار مهربان است، و وی یگانه ذات است که بنده هایش را در روز قیامت زمانی که از قبرها بیرون می آیند محاسبه می کند، و وی ذاتی است که پاداش اعمال نیک مؤمنان را ده برابر برایشان می دهد، و گناه را به اندازه گناه جزا می دهد، برای مؤمنان نعمت های جاویدان است در آخرت، و کسی که کفر ورزید و گناه نمود جزای کرده اش را در دنیا و آخرت می بیند.

محمد صلی الله علیه وسلم در تبلیغ رسالتش نه قبیله و نه شهر و نه شخص خویش را ستوده است، بلکه در قرآن کریم نامهای پیامبران مانند نوح موسی و عیسی علیهم السلام بیشتر از نام وی یاد شده است، و نه نام مادر و نه نام همسرانش در قرآن کریم یاد شده است، در قرآن کریم فقط نام مادر موسی چند بار، و نام مریم سی پنج بار یاد شده است.

محمد صلی الله علیه وسلم از هر آنچه که مخالف شرع، عقل و فطرت باشد، و یا عقل سلیم آن را نپذیرد معصوم می باشد، چرا که پیامبران در آنچه از جانب الله متعال تبلیغ می کنند معصوم می باشند، بخاطری که آنها مکلف اند تا اوامر الهی را تبلیغ نمایند، پیامبران هیچ ویژگی الوهیت و ربوبیت را ندارند، بلکه آنها همانند دیگران بشر هستند که الله متعال بالایشان وحی نازل نموده است.

و از بزرگترین نشانه‌ها بر اینکه رسالت محمد صلی الله علیه وسلم آن وحی الهی است، اینست که این دین چنانچه در حیات ایشان موجود بود، تا امروز هم موجود است، و بیشتر از ملیار مسلمان پیرو آن هستند، که واجبات مانند نماز، زکات، روزه، حج و غیره را انجام می‌دهند، بدون این که در آن تغییر و تحریف صورت گرفته باشد.



5- معجزه‌های پیامبری او، نشانه‌ها و دلایل آن:

الله متعال پیامبران را به معجزه‌های که دلالت به نبوت آنها می‌کند تأیید می‌نماید، و دلایل و شواهد را بخاطر صدق رسالت ایشان عرض می‌کند، الله متعال به هر پیامبر معجزه داده است تا مردم به وی ایمان آورند، و بزرگترین معجزه‌های پیامبران معجزه‌های محمد صلی الله علیه وسلم است، الله متعال برایش قرآن کریم را داد که تا روز قیامت به شکل نمونه از معجزه‌های پیامبران باقی خواهد ماند، قسمیکه الله متعال برایش معجزه‌های بزرگ زیادی داده است که از آن جمله:

اسراء و معراج، انشقاق القمر (شکافتن مهتاب)، و بارها فرود آمدن باران بعد از دعا استسقاء، تا مردم بعد از خشکسالی و قحطی سیراب شدند.

افزایش در خوراک و آب کم، که شمار زیادی آنرا خوردند و نوشیدند.

و خبر دادن از امور غیبی گذشته، که هیچ کس به تفصیل آن آگاهی نداشت، الله متعال وی را از آن آگاه ساخت، مانند داستانهای پیامبران علیهم السلام با اقوام ایشان، و داستان اصحاب الکهف.

و خبرهای غیبی که در آینده رخ می دهد، که الله متعال وی را از آن آگاه نموده بود، مانند خبر آتش که در سر زمین حجاز رخ می دهد، حتی این که اهل شام آنرا مشاهده نمودند، و بلند منزلهای که مردم در آن از یکدیگر سبقت می ورزند.

حمایت الهی و حفاظت او از مردم.

و محقق شدن وعده هایش با یارانش، مانند این فرموده
وی: (فارس و روم فتح خواهد شد، و از گنجهای آن در
راه الله خرچ خواهید کرد).

تایید الله با وی توسط فرشتگان.

مژده پیامبران علیهم الصلاة والسلام اقوام ایشان را به
پیامبری محمد صلی الله علیه وسلم، و از جمله پیامبران
که مژده پیامبری وی را داده بودند: موسی، داود، سلیمان،
و عیسی علیهم الصلاة والسلام و غیره پیامبران بنی
اسرائیل.

دلایل عقلی، و مثالهای که عقل سلیم آنرا می پذیرد.

این آیات و دلایل و مثالهای عقلی در قرآن کریم و سنت
نبوی زیاد است، و نشانه های آن بیشتر و بی شما رمی

باشد، و اگر کسی می خواهد مطلع شود به قرآن کریم و کتابهای سنت و سیرت نبوی مراجعه نماید، که به قدر کافی در این مورد بحث شده است.

اگر این معجزه های بزرگ صورت نمی گرفت، دشمنان وی از جمله کفار قریش و یهود و نصاری که در جزیره العرب زندگی می کردند، به تکذیب وی می پرداختند، و مردم را از وی می هراسند.

قرآن کریم کتاب الله متعال است که او را بالای محمد صلی الله علیه وسلم نازل نموده است، و آن کلام رب العالین است، که چالش بود برای انسانها و جنیات تا همانند این کتاب و یا یک سوره آن را بیاورند، و این چالش تا امروز پا برجا است، و قرآن کریم پاسخگوی پرسشهای مهمی زیاد است که میلیونها انسان را به حیرت در آورده است، و قرآن کریم تا امروز به همان زبان

عربی که نازل گردیده محفوظ می باشد، يك حرف آن هم از او کم نگردیده است، و کتاب چاپ و توزیع شده است، آن کتاب بزرگ و معجزه است، و بزرگترین کتاب است که به مردم نازل گردیده است، سزاوار این است که باید خوانده شود و ترجمه گردد، و کسی که از ایمان آوردن به این کتاب، و فهم معانی آن بی بهره ماند، در حقیقت از تمام خیر محروم گردیده است. سنت و رهنمایی ها و سیرت محمد صلی الله علیه وسلم هم محفوظ و توسط راویان ثقه و معتبر نقل گردیده است، و به زبان عربی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به آن صحبت می نمود به چاپ رسیده است، و آنگونه موجود است همانند این که وی با ما فعلا زندگی می کند، و به زبانهای زیادی ترجمه گردیده، قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله

علیه وسلم ہر دو یگانہ مصادر و مراجع احکام تشریحی و
اسلام می باشد.



6- شریعت محمد (ﷺ)

شریعتی که محمد صلی الله علیه وسلم آنرا آورده ، شریعت اسلام است، و این شریعت پایان شریعت های ربانی و رسالت های الهی می باشد، و در اصول همانند شرایع پیامبران گذشته بوده، اگرچه در کیفیت متفاوت می باشد.

این شریعت متکامل است، که سازگار هر زمان و مکان می باشد، در آن خوبی های دین و دنیا مردم نهفته است، و شامل تمام عبادات است که بالای بنده های الله از جانب پروردگار فرض گردیده است ، مانند نماز و زکات، و بیان گر تمام معامله های جایز و ناجایز ، مالی اقتصادی اجتماعی سیاسی جنگی و محیط زیست می باشد، و غیره مسایل که نیازمندی های زندگی مردم و معاد ایشان را بیان می نماید.

این شریعت حافظ دین جان ناموس مال عقل و نسل مردم است، و شامل هر شایستگی ها و نیکویی هاست، و از هر بدی و زشتی ها بر حذر می دارد، بسوی کرامت انسانی، میانه روی، عدل، اخلاص، پاکی، مهارت، محبت، خیر خواهی مردم، جلوگیری از خون ریزی، آرامش سرزمین ها، و حرام پنداشتن ارهاب و ترساندن مردم را فرا می گیرد. محمد صلی الله علیه وسلم در مقابل هر نوع فساد، طغیان، خرافات، و گوشه نشینی و رهبانیت اعلان جنگ نمود.

محمد صلی الله علیه وسلم روشن ساخت که انسان اعم از مرد و زن دارای کرامت انسانی می باشند، و تمام حقوق وی را ضمانت نموده، و وی مسؤول تمام اختیارات افعال و تصرفات خویش می باشد، و مسؤول هر کاری که زیان آن به خود و یا به دیگران برسد، می باشد، زن و

مرد یک برابر اند، البته در مسایل ایمان و مسؤولیت و ثواب و جزاء، در شریعت اسلام به زن توجه خاص شده است اگر همسر باشد یا دختر و یا خواهر.

شریعتی که محمد صلی الله علیه وسلم آنرا آورده است، در آن تاکید به حفظ عقل شده است، و هر آن چیز که آن را، مانند نوشیدن شراب، فاسد می سازد حرام قرار داده است. اسلام دین را نور قرار داده است، که راه را برای عقل روشن می سازد، تا انسان پرستش پروردگار خویش را با آگاهی و بصیرت انجام دهد. اسلام جایگاه عقل را بلند پنداشته است و آن را شرط تکلیف شرعی قرار داده است، و آن را از زنجیرهای خرافات و بت پرستی ها رهایی بخشیده است.

اسلام علم نافع را اگرامی داشته است، و به تلاش های علمی دور از هوا و هوس تشویق نموده است. اسلام در

اندیشیدن در نفس و جهان فرا خوانده است، و هر آن نتایج علمی صحیح که با شریعت محمد صلی الله علیه وسلم در تضاد نباشد مورد تایید قرار داده است.

در شریعت اسلام هیچ نژاد بالای نژاد دیگری، و هیچ قومی بالای قوم دیگری برتری ندارد، بلکه همه در مقابل احکام یکسان اند، زیرا انسان ها در اصل باهم یکسان اند، هیچ نژاد بالای نژاد دیگر و هیچ قوم بالای قوم دیگری برتری ندارد، جز به تقوی و پرهیزگاری. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر نوزاد در حالت اسلام به دنیا می آید، و هیچ نوزاد گنهگار تولد نمی شود، و نه بارگناه دیگران را به میراث می برد.

در شریعت اسلام، الله متعال توبه را مشروع نموده است: توبه به معنی ترك گناه و بازگشت بسوی پروردگار است. اسلام تمام گناههای قبلی را محو و پاک می کند. توبه تمام

گناهای قبلی را پاک می کند، نیاز نیست که انسان در مقابل دیگران به گناه خویش اعتراف نماید. در اسلام رابطه انسان با پروردگارش می باشد، نیاز نیست که بین تو و الله متعال کسی دیگری واسطه شود، اسلام از اینکه بشر را معبودان خویش قرار دهیم و یا آنها را با الله متعال در ربوبیت والوهیت شریک سازیم منع نموده است.

شریعت محمد صلی الله علیه وسلم ناسخ تمام شریعت های قبلی می باشد، زیرا که شریعت محمد صلی الله علیه وسلم آخرین شرایع الهی است که تا روز قیامت باقی خواهد ماند، و این شریعت برای کافه جهانیان است، لذا ناسخ ماقبل آن می باشد، قسمیکه شرایع قبلی یکدیگر را نسخ می نمود. الله متعال جز اسلام هیچ شریعت دیگری را نمی پذیرد، و جز دین محمد هیچ دین

دیگری را نمی‌پسندد، و کسی که جز اسلام به دین دیگری گرایش پیدا کرد، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود. اگر کسی می‌خواهد اطلاع بیشتر در مورد احکام این شریعت داشته باشد، از مراجع معتبر آن استفاده کند، که بنام مراجع اسلام یاد می‌شود.

هدف شریعت اسلامی همان هدف تمام رسالت‌های الهی است، که دین حق انسان را به مرحله عبودیت خالص به پروردگارش که آفریدگار جهانیان است برساند، و او را از بندگی انسان و یا ماده و خرافات آزاد سازد.

شریعت اسلام سازگار هر زمان و مکان است، و در آن هیچ چیزی سراغ نمی‌شود، که با مصالح صحیح انسان در تضاد باشد، چرا که آن از جانب الله متعال نازل گردیده است که مصالح بنده‌هایش را بهتر و بیشتر می‌داند. مردم به شریعتی نیاز دارند که در اصل درست

باشد، و در آن تناقض وجود نداشته باشد، و برای تمام بشریت سازگار باشد، و وضع کننده آن بشر نباشد، بلکه از جانب الله متعال نازل شده باشد، و مردم را بسوی خوبی‌ها و رشادت‌ها رهنمایی کند، و هر گاه مردم در وقت منازعه به آن رجوع کنند، بسوی آسایش می‌روند، و از ستم‌همدیگر در امان می‌مانند.



7- موقفگیری مخالفان وی،

وگواهی آنها به حقانیت وی:

بدون شك هر پیامبری مخالفین داشت که با وی دشمنی کردند، و در راه دعوت وی ایستادند، و مردم را از ایمان آوردن به وی باز داشتند. محمد صلی الله علیه وسلم در زندگی و بعد از رحلت ایشان دشمنان و مخالفین زیادی داشتند، که الله متعال وی را بالای ایشان پیروز نمود. دلایل گواهی قبلی و فعلی آنها به تواتر رسیده است، که وی پیامبر است، و وی آنچه را آورده است که پیامبران گذشته علیهم الصلاة والسلام آورده بودند، و می دانند که وی برحق است، اما موانع ایمان آوردن ایشان زیاد می باشد: مانند دل بستن به ریاست، و یا ترس از مردم و

جامعه ، و یا از دست دادن پول و ثروت که از راه منصب خویش آنرا به بدست می آوردند.

تمام ستایش الله راست، که پروردگار جهانیان است.

نگاشتهء استاد دکتور محمد بن عبدالله السحیم

استاد عقیده دیپارتمنت علوم اسلامی (سابق)

فاکولته تربیت، دانشگاه الملك سعود

ریاض، عربستان سعودی

فهرست

- 1.....پیامبر اسلام محمد (ﷺ)
- 1- نام و نسب و سرزمینی که وی در آن تولد و پرورش یافته است:.....2
- 2- ازدواج مبارک با خانم مبارک:.....4
- 3- آغاز وحی:.....6
- 4- رسالت وی:.....18
- 5- معجزهای پیامبری او، نشانه ها و دلایل آن:.....23
- 6- شریعت محمد (ﷺ).....29
- 7- موقفگیری مخالفان وی، وگواهی آنها به حقانیت وی:.....36